

Analysis of rhetorical practices by declaring geography in sanaei and badr-e-chachi

Ali Mohammad Giti Frouz¹, Ashraf Ghanbari²

تحلیل و بررسی شگردهای بلاغی با اعلام جغرافیایی در قصاید سنایی و بدر چاچی

علی محمد گیتی فروز^۱، اشرف قنبری^۲

چکیده

شاعران، اعلام جغرافیایی را دست‌مایه مضمون‌سازی و آرایه‌پردازی کرده‌اند و همواره به شیوه‌های گوناگون در شعر خود دست به خلق تصاویر زیبای شعری زده‌اند یا اینکه با روش‌های مختلف شگردهای بلاغی گوناگون آفریده‌اند. یکی از این روش‌ها خلق تصاویر شعری با استفاده از شگردهای بلاغی و بهره‌گیری از اعلام جغرافیایی است. سنایی و بدر چاچی از جمله شاعرانی هستند که در قصاید خود از این شیوه‌ها بهره برده‌اند. در این مقاله تلاش شده است که با ارائه تعریف مشخص از شگردهای بلاغی، اعلام جغرافیایی موجود در قصاید سنایی و بدر چاچی معرفی و بسامد هرکدام از این اعلام ارائه شود. این مقاله به صورت تحلیلی-توصیفی و با ارائه جدول انجام شده است که بسامد و کارکردهای هنری بر مضمون‌آفرینی‌های شاعرانه با اعلام جغرافیایی در دیوان سنایی و بدر چاچی تبیین شده است. براساس پژوهش انجام‌شده سنایی از اعلام جغرافیایی بیشتر در آرایه مراعات‌النظیر و بدر چاچی از آن بیشتر به‌عنوان استعاره استفاده کرده است.

Abstract

Poets have used geographic declaration as a tool for theme-making and terms-creating. They has always created many beautiful poetry in their poems in various ways. Also, they have created various rhetorical practices with different methods. One of the methods to create poetic and rhetorical illustrations, is making use of geographical declarations. Sanaei and Badar Chachi are among the poets who have used these practices in their own ballades. In this research, it has been attempted to present a clear definition of rhetorical practices, declarations of geography in the ballades of Sanaei and Badr Chachi and to offer the frequency of each one. This research is analytical-descriptive and presented with a table. In total, the studied verses in sanaei's ballades had the most frequency of use of these rhetorical technics is Mor'at-Nazir (Observing the correspondance). And Badar Chachi, in total, also has the highest frequency with his instrument of metaphors.

Keywords: Rhetorical Technics, Geographic Declaration, Sanaei, Badar Chachi.

کلیدواژه‌ها: شگردهای بلاغی، اعلام جغرافیایی، سنایی، بدر چاچی.

1. Associated professor of Persian language and literature at payam nour university
2. M.A of Persian language and literature at payam nour university

۱دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور(نویسنده مسئول) Gitiforuz_ali@yahoo.com
۲کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور Amehrabi56@yahoo.com

مقدمه

ادبیات ایران زمین از آغازین زمان شکل‌گیری خود همواره بستری دل‌انگیز و شیوا برای بیان موضوعات، مفاهیم و پدیده‌های پیرامون بوده است.

ادیب فارسی زبان بنابر آنچه از فرهنگ و دین و تمدن و تفکر و اندیشه‌اش آموخته و از محیط اطراف برداشت کرده و از نوع نگاهش به جهان ادراک نموده است، سخن‌گویان و سخن‌سرایان این فرهنگ و تمدن پربار در آثار خود اغلب با الهام گرفتن از عالم خارج، عالمی دیگر آفریده‌اند. عالمی که در آن همه چیز سخن می‌گوید و رنگ و شکل و اندازه و ویژگی‌هایی دارد. خیال‌پردازان عرصه شعر و ادب به شیوه‌های گوناگون از این اصطلاحات و اعلام در بیان مضامین و مفاهیم شعری بهره جسته‌اند. از جمله دست به دامان طبیعی و فراطبیعی شده و از این میان نام مکان‌ها و اعلام جغرافیایی یکی از منابع آفرینش هنری سخن‌پردازان بوده است. آنها با بهره‌گیری از اعلام جغرافیایی صور مختلف خیال و شگردهای بلاغی را به کار گرفته‌اند و همواره دانش جغرافیا و شناخت اقلیم شهرها و کشورها را همچون سایر علوم و معارف بشری در سروده‌های خود گنجانده‌اند.

بسیاری از شاعران نظیر رودکی، فردوسی، خاقانی، حافظ و سعدی در غزلیات خود از اعلام جغرافیایی در شعر خود به صورت نماد استفاده کرده‌اند که در اینجا قطعاتی از این سروده‌ها را به عنوان شواهد آورده‌ایم:

خورشید روم پرور ماه حبش نگار

سایه‌نشین به ساحت طوبی نشان اوست

(خاقانی، قصیده ۲۱)

غمی که چون سپه زنگ ملک دل بگرفت

ز خیل شادی روم رخت زداید باز
(حافظ، غزل ۲۶۱)

چو اندر هوا شب علم برگشاد

شد آن رومی روم زنگی نژاد

(فردوسی، بخش ۲)

هر کو نکند فهمی زین کلک خیال‌انگیز

نقشش به حرام ار خود صورتگر چین باشد

(حافظ، غزل ۱۶۱)

تو بت چرا به معلم روی که بتگر چین

به چین زلف تو آید به بتگری آموخت

(سعدی، غزل ۳۲)

آن که جز کعبه مقامش بند از یاد لب

بر در میکده دیدم که مقیم افتادست

(حافظ، غزل ۳۶)

آن مصر مملکت که تو دید خراب شد

و آن نیل مکرمت که شنیدی سراب شد

(خاقانی، قصیده ۵۱)

در غزلیات بالا و نظیر آن روم نماد و مظهر

سفیدی و روشنایی و حبش و زنگبار و هند نشان‌دهنده نماد تیرگی و سیاهی بوده است.

همچنین چین در اشعار فارسی معمولاً نماد رنگارنگی و تلون و سازنده تصویرهای زیبا و مشک بوده و همچنین نماد عالم مادی در مقابل

عالم معنوی بوده است. کعبه نیز نماد مراد و مقصود است و جوینده آن را قبله‌گاه خود ساخته و

کوشش برای رسیدن به آن می‌کند. همچنین مصر نماد آبادانی و بهره‌مندی از دانش و نیل نماد کرم و

بزرگواری بوده است. لازم به ذکر است که علت کاربرد غزلیات به عنوان شواهد این است که غزل

پیشینه تحقیق

در زمینه شگردهای بلاغی با اعلام جغرافیایی پژوهش‌های محدودی انجام شده است. مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده که به نوعی در پژوهش حاضر از آنها استفاده شده عبارت‌اند از:

راستگو (۱۳۷۹) در پژوهشی که به صورت کتاب به چاپ رسیده، تحقیقات مفصلی در خصوص تعریف، دسته‌بندی و شگردهای ایهام ارائه کرده است.

سیف، محمدی، احمدی و موسیونر (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «وجوه بلاغت در دو قصیده ناصر خسرو» تحقیقات مفصلی در خصوص تعریف و دسته‌بندی بلاغت در دو قصیده ناصر خسرو ارائه کرده است.

گیتی فروز (۱۳۹۰) در مقاله‌ای به بررسی چند ایهام و اشارات نویافته در شعر خواجه شیراز پرداخته است. در این مقاله ضمن اشاره به چند ایهام نویافته در شعر حافظ شیراز، سابقه کاربردی برخی از ایهام‌ها در شعر بدر چاچی شاعر صنعت-گرای قرن هشتم (زنده به سال ۷۴۵ هجری قمری) ارائه شده است. نگارنده مقاله مذکور هنگام تصحیح دیوان بدر چاچی شاعر نکته‌یاب و ایهام-پرداز قرن هشتم با نکات و ایهام‌های ظریفی مواجه شد که از نکته‌سنجی و خیال‌پردازی طبع شاعر حکایت می‌کند. از آنجا که بسیاری از نکته‌ها، ایهام‌ها و اشاراتی که در این مقاله به آنها پرداخته شده، از رهگذر تصحیح دیوان بدر چاچی به ذهن نگارنده خطور کرده است، در این مقاله به حکم (فضل تقدم) به اشعار بدر چاچی که متضمن آن نکته‌ها بوده اشاره شده است.

بیان عواطف و ذکر زیبایی است و نیز از لحاظ مضمون نیز در حس زیباشناسی هستند و به‌عنوان مثال در ذهن خواننده اثر بهتری دارد. با توجه به اینکه موضوع مقاله درباره‌ی قصاید است، ذکر این نکته را لازم دانستم.

برخی از اعلام جغرافیایی برای ایجاد تصویرهای شاعرانه به‌کار گرفته شده و تشبیهات و استعارات خیال‌انگیز زیبا با آنها آفریده شده است.

تف تیغش از هند شب کرد بوم

کند باز قنديل رهبان به روم

(گنجور، گرشاسب‌نامه، در ستایش شاه بودلف)

ای بخارا شاد باش و دیر زی

میرزی تو شادمان آید همی

(رودکی، قصاید و قطعات ۱۲۱)

گاهی با بهره‌گیری از اعلام جغرافیایی ایهام‌های

زیبایی آفریده شده است.

دیگران با همه کس دست در آغوش کنند

ما که بر سفره‌ی خاصیم به یغما نرویم

(سعدی، غزلیات ۴۴۱)

جگر چون نافه‌ام خون گشت کم ز نیم نمی‌یاد

جزای آنکه با زلف سخن از چین خطا گفتیم

(حافظ، غزل ۳۷۰)

در دیوان شاعران عرب هم استفاده گوناگون از

اعلام جغرافیایی در مضمون‌پردازی و شگردهای

بلاغی و ترکیب‌سازی و تصاویر شاعرانه مرسوم

بوده است. چنانچه نویسنده کتاب *شماره‌القلوب*

فی‌المضافات و المنسوب فهرست نسبتاً کاملی از این

اصطلاحات را گردآوری و شرح کرده است. از

جمله *سحره‌الهند، مکرالاهواز صوفیه‌الدینور، لعل*

بدخشان و مناره ال اسکندریه.

شگردهای بلاغی با اعلام جغرافیایی در قصاید

سنایی

حکیم سنایی کنیه و نام او ابوالمجد مجدوبن آدم سنایی است و در دیوان او ابیات نسبتاً زیادی است که دلالت به نام او دارد. ولادت او در اوایل یا اواسط نیمه دوم قرن ۵ اتفاق افتاده و زادگاه او غزنین بوده است. وی شاعری معتقد و دیندار بوده است و نشانه‌های پایبندی به تقوا، اصول و شریعت در اشعار او دیده می‌شود. او اولین کسی است که تصوف را از طریق شعر و شاعری روشن کرده است. حکیم سنایی از جمله شاعرانی است که تا حدی به تصنع و تکلف گراییده است. در میان صنعت‌های بدیعی در درجه اول به تجنیس و مراعات‌النظیر رغبت نشان داده و در میان نوع‌های جناس به جناس خط و نیز به صنعت‌هایی از قبیل ایهام، تضاد، طباق و مراعات‌النظیر راغب‌تر است (مدرس رضوی، ۱۳۴۱: ۲-۳۷).

سنایی در قصاید خود از اعلام جغرافیایی برای ساخت شگردهای بلاغی بهره برده است که برای نمونه در ذیل ابیاتی از آن ذکر می‌شود (به دلیل فراوانی ابیات برای هر مبحث ابیاتی را به عنوان شاهد مثال آورده شده است).

مراعات النظیر

بغداد را به طرفه بغداد بازده

وندر کمین بصره نشین و طرار گیر

(دیوان سنایی، ۱۶۷)

سال‌ها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب

پرنیان رضایی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «شگردهای بلاغی با اعلام جغرافیایی در شعر خاقانی و ناصر خسرو» تحقیقات مفصلی در خصوص تعریف و دسته‌بندی شگردهای بلاغی با اعلام جغرافیایی ارائه کرده است. این پژوهش نشان می‌دهد که شاعران و سخنوران از دیرباز برای اندیشه‌ها، مقاصد و دستاوردهای فکری خود از علوم و دانش‌های مختلف بشری بهره جسته‌اند.

پرنیان فتحی (۱۳۹۳) در پژوهشی که به صورت مقاله به چاپ رسیده، تحقیقاتی در زمینه تعریف و دسته‌بندی شگردهای بلاغی با اعلام جغرافیایی در شعر هوشنگ ابتهاج انجام داده است. لازم به یادآوری است که تألیفاتی که برشمردیم، اگرچه بررسی شگردهای بلاغی نگارنده این مقاله دارای فوایدی بوده، اما در زمینه دیوان سنایی و قصاید بدر چاچی تاکنون چنین پژوهشی صورت نگرفته است.

لازم به ذکر است که در این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیلی - توصیفی موضوع مورد نظر انجام شده و سعی شده است که تعریف مشخصی از شگردهای بلاغی با اعلام جغرافیایی و بسامد آرایه‌پردازی با اعلام جغرافیایی در این دو نمونه شعری ارائه شود و نمونه تک‌تک ابیاتی که در آن شگردهای بلاغی با اعلام جغرافیایی در قصاید سنایی و بدر چاچی گردآوری شده است. همچنین شگردهای بلاغی مورد استفاده در این پژوهش شامل استعاره، جناس، مراعات‌النظیر، تشبیه، ایهام و تضاد است.

یوسف مصری نشسته با تو اندر انجمن
زشت باید چشم را در نقش آذر داشتن
(همان)

ایهام

دل به چین رفت و بازگشت و ندید
به ز اندام تو که اندامش
(همان: ۱۸۲)
جدول ۱. نتایج بسامد مضمون آفرینی با اعلام جغرافیایی

در قصاید سنایی

ردیف	علم جغرافیایی	بسامد کاربرد	شگردهای بلاغی (مراعات النظیر)
۱	بغداد	۲	۲
۲	بدخشان	۳	۲
۳	بلخ	۴	۳
۴	بصره	۲	۲
۵	ترک	۳	۳
۶	چین	۱۹	۱۷
۷	حبش	۲	۲
۸	خراسان	۷	۳
۹	روم	۷	۷
۱۰	زنگبار	۳	۳
۱۱	مصر	۵	۲
۱۲	هند	۶	۵
۱۳	یمن	۹	۵

ردیف	علم جغرافیایی	بسامد کاربرد	شگردهای بلاغی (تشبیه)
۱	بدخشان	۳	۱
۲	غزنین	۴	۱
۳	هند	۷	۱

لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن
(همان: ۲۵۸)

خاک غزنین و بلخ و نیشابور

وز در روم تا حد جلم
(همان: ۳۱۱)

امام عالم کافی، که چون او درگه صنعت
نه از شام و بصره، نه از مرو آمد و زوزن
(همان: ۲۶۶)

در هری این سامری دیدی بترک و روم شو

تا چلیپا سوختن بینی تو در چین و خزر
(همان: ۱۵۳)

بابل نفسی است باز از نکورویان چین

حاصل روحست گفتار عزیزان ختا
(همان: ۱۸)

تشبیه

گر تو رنگ آوری و طیره شوی، غم نخورم
سنگ اگر لعل شود، جز به بدخشان نشود
(همان: ۱۰۴)

گر جود تو و علم تو، غزنین چو بهشتت

زیرا که در و نیست نه تیمار و نه تیمار
(همان: ۱۱۶)

تضاد

گه کند ماه نقشت اندر دل

در خزر، هند و در حبش، بلغار
(همان: ۱۱۸)

گر بسقلاب برد باد نهییش نشکفت

که سیه روی شود مردم سقلاب چو زنگ
(همان: ۱۸۷)

فراوانی ابیات برای هر مبحث بیت شاهد مثال آورده شده است).

ردیف	علم جغرافیایی	بسامد کاربرد	شگردهای بلاغی (استعاره)
۱	بدخشان	۲	۱
۲	ترک	۳	۱
۳	چین	۲۱	۱۵
۴	حبش	۱۱	۶
۵	ختن	۱۱	۳
۶	روم	۱۱	۷
۷	زنگبار	۱۵	۹
۸	هندوستان	۲۳	۷

استعاره

ای سیم عارضی که یکی ذره مشک را

بر لعل آبدار بدخشان نموده‌ای

(دیوان بدر، ۳۶۹)

چون ماه من کشد از هند گرد ترک چشم

ز ملک سینه برآرد دمار لشکر غم

(همان: ۲۴۳)

آن شاهد عودی نقاب آورد در چین در نواب

در سر درآمد از شتاب در پاکشان شد معجزش

(همان: ۱۹۹)

کلك هلال قامتت بهر صلاح ملک و دین

از حبشه بلال وش سجده‌کنان اذان گرفت

(همان: ۱۲۶)

سه ختنی شبروند آینه‌ها در قفا

سیم طلب در میان زنگی زرین قفا

(همان: ۹۲)

ردیف	علم جغرافیایی	بسامد کاربرد	شگردهای بلاغی (تضاد)
۱	زنگبار	۱۵	۵
۲	مصر	۵	۱
۳	چین	۱۷	۱

شایان ذکر است که بقیه ابیات که شامل ۱۵ بیت می‌باشد عام و بدون هیچ‌گونه آرایه‌ای به کار رفته است.

شگردهای بلاغی با اعلام جغرافیایی در قصاید

بدر چاچی

چنانچه از نام بدرچاچی مستفاد می‌شود، ولادتش در شهر چاچ بوده و چاچ نام شهری از ماوراءالنهر می‌باشد که به تاشکند مشهور است. هنر و مهارت بدرچاچی در سرودن قصیده است و قطعه‌های آن به طور عمده متضمن تکرار سنده‌تر همان مضامینی است که در قصایدش وجود دارد. شیوه شاعری وی در زمره دیریاب‌ترین اشعار ادب فارسی است. زبان شعری بدر چاچی مبتنی بر لغت‌سازی و ترکیب‌سازی و تعبیرات بدیع و به‌کار بردن مفاهیم مجازی و کنایه فراوان است، چنانچه می‌توان گفت از این جهت بر اکثریت مزیت دارد.

در شعر بدر چاچی تشبیه و به‌خصوص استعاره فراوان است. بسیاری از تشبیهات و استعارات و کنایه‌های بدر چاچی تازه و بدیع و زیباست و دارای قوه تخیل است (دیوان بدر چاچی تصحیح گیتی فروز، ۱۳۸۷: ۳۰-۱۷).

بدر چاچی در قصاید خود از اعلام جغرافیایی برای ساخت شگردهای بلاغی بهره برده است. برای نمونه در ذیل ابیاتی از آن ذکر می‌شود (به علت

مراعات النظیر

تضاد

در ربض ملک تو صورت حال عدو	سر حد نیم روز است شام خط تو از چین
خوک و ریاض بهشت حایض و بیت‌الحرم	خورشید نیم روز است روست چو رای داور
(همان: ۲۶۶)	(همان: ۱۶۴)
اجری ده شام و روم جزیه خور ترک و چین	مه از میزان عدل شاه انجم راستی می‌جست
فرمانده شرق و غرب یعنی شه هندوستان	کمی در جانب چین شد فزونی سوی هندستان
(همان: ۲۴۳)	(همان: ۲۵۵)
به نزد صبح خورشید است جمشید دیار چین	ز زنگبار برد عقده‌های مروارید
به نزد اختران ماه است شاهنشاه هندوستان	به سوی چین زره بحر بر سر سه ماه
(همان: ۲۴۵)	(همان: ۳۲۸)
اقلیم ترک و روم و خراسان چین و شام	گر مکشیدی ز رنگ زلف تو بر چین حشم
مأمور امر شه ز بد و نیک و خیر و شر	ترک تو پیکان ناز آب ندادی به سم
(همان: ۱۷۹)	(همان: ۲۲۴)
شهان ترک و خراسان و روم و شام و عراق	ایهام
به این درند و به این بندگی همه شادند	هر عزیزى که آمد از مصرى
(همان: ۳۱۳)	
تشبیه	به لکوکش زر و گهر دادیم
گفتم ای ماه به لب لعل بدخشان شده‌ای	زیورش القاب سلطانی توست
گفت کای بدر نگر، کاهن و نادان شده‌ای	هر کجا در مصر جامع منبر است
(همان: ۳۶۹)	(همان: ۳۰۳)
بساط بارگهت صد چو حاوی گردون	همیشه تا که شهنشاه هند را که مه است
غلام پایگهت صد چو پادشاه خطا	هزار کاسه زرین به گرد نه خوان است
(همان: ۸۹)	(همان: ۱۲۰)
جز سر زلف تو بر عارضت ای حور سرشت	اگر خورشید را جمشید چین گفتن مجاز آمد
ملک فردوس که دیده است که کافر گیرد	به تحقیق است شاهنشاه هندوستان مه تابان
(همان: ۱۳۵)	(همان: ۲۵۵)
کافرم گر در سرابستان هندستان چو بدر	
طوطی زیبا و قرآن‌خوان معنی دان رسید	
(همان: ۱۵۱)	

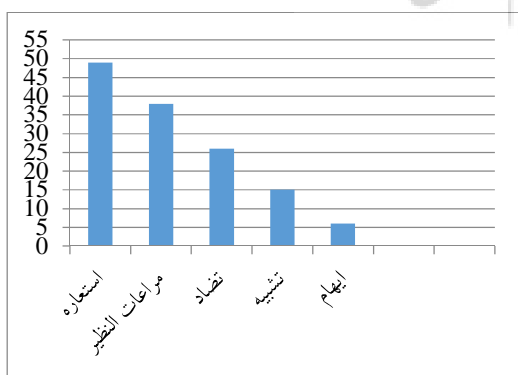
ردیف	علم جغرافیایی	بسامد کاربرد	شگردهای بلاغی (تضاد)
۱	چین	۲۱	۱۲
۲	حبش	۱۱	۳
۳	ختن	۷	۳
۴	روم	۱۱	۳
۵	زنگبار	۱۵	۳
۶	هندوستان	۲۳	۲

ردیف	علم جغرافیایی	بسامد کاربرد	شگردهای بلاغی (استعاره)
۱	بدخشان	۲	۱
۲	ترک	۳	۱
۳	چین	۲۱	۱۵
۴	حبش	۱۱	۶
۵	ختن	۷	۳
۶	دوزخ	۳	۳
۷	روم	۱۱	۸
۸	زنگبار	۱۵	۹
۹	عراق	۵	۳
۱۰	مصر	۳	۱
۱۱	هندوستان	۲۳	۷

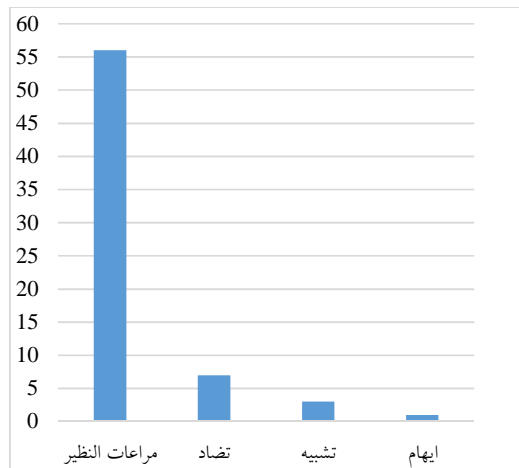
ردیف	علم جغرافیایی	بسامد کاربرد	شگردهای بلاغی (تشبیه)
۱	بدخشان	۲	۱
۲	حبش	۱۱	۴
۳	ختن	۷	۱
۴	فردوس	۸	۶
۵	هندوستان	۲۳	۳

ردیف	علم جغرافیایی	بسامد کاربرد	شگردهای بلاغی (مراعات النظیر)
۱	بیت‌الحرم	۱	۱
۲	ترک	۳	۱
۳	چین	۲۱	۹
۴	حبش	۱۱	۱
۵	ختن	۷	۳
۶	خراسان	۲	۲
۷	روم	۱۱	۷
۸	زنگبار	۱۵	۵
۹	عراق	۵	۱
۱۰	فردوس	۸	۱
۱۱	مصر	۴	۱
۱۲	هندوستان	۲۳	۶

ردیف	علم جغرافیایی	بسامد کاربرد	شگردهای بلاغی (ایهام)
۱	مصر	۴	۳
۲	هندوستان	۲۳	۳



صورت تحلیلی - توصیفی با ارائه جدول و آمار انجام شده که نتایج به دست آمده بدین شرح است که سنایی در قصاید خود از مجموع ۱۲۳ بیت، ۶۶ مرتبه شگردهای بلاغی با اعلام جغرافیایی را به کار برده است که شامل ۵۶ مورد مراعات‌النظیر، ۳ مورد تشبیه و ۷ مورد ایهام می‌باشد و بدر چاچی در قصاید خود از مجموع ۷۸۳ بیت، ۱۳۴ مرتبه از شگردهای بلاغی بهره برده است که شامل ۴۹ مرتبه استعاره، ۳۸ مورد مراعات‌النظیر، ۲۰ مرتبه تضاد، ۱۵ مورد تشبیه و ۶ مورد ایهام می‌باشد. لازم به ذکر است که بدر چاچی کوشش بیشتری در آرایه-پردازی کرده است و بسامد بیشتر در قصیده‌های سنایی استفاده از آرایه مراعات‌النظیر است و در شعر بدر چاچی تعداد ابیاتی که در آن استعاره به کار رفته بسامد بیشتری دارد که در نمودارها بررسی شده است.



بسامد شگردهای بلاغی با اعلام جغرافیایی در قصاید

سنایی

مراعات‌النظیر: ۵۶

تضاد: ۷

تشبیه: ۳

ایهام: ۱

بسامد شگردهای بلاغی با اعلام جغرافیایی در قصاید

بدر چاچی

استعاره: ۴۹

مراعات‌النظیر: ۳۸

تضاد: ۲۶

تشبیه: ۱۵

ایهام: ۶

منابع

پرنیان، موسی؛ رضایی، شمس‌ی (پاییز وزمستان ۱۳۹۱). «شگردهای بلاغی با اعلام جغرافیایی در شعر خاقانی ناصر خسرو». *مجله پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت*، دوره ۲، شماره ۲، صص ۶۶-۴۱.

پرنیان، موسی؛ فتاحی، سهیل (بهار ۱۳۹۳). «تصویرسازی با اعلام جغرافیایی در شعر هوشنگ ابتهاج». *مجله پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت*، دوره ۲، شماره ۲، صص ۸۶-۷۶.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). *لغت‌نامه دهخدا*. ۱۴ جلدی. چاپ اول. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش یافته‌های تحقیق بیانگر این است که هر دو شاعر در زمینه اعلام جغرافیایی به آرایه-پردازی در حوزه ایهام، جناس، تشبیه، تضاد و مراعات‌النظیر پرداخته‌اند. این پژوهش که به

- راستگو، سیدمحمد (۱۳۷۱). «ایهام‌نامه واژه‌ای». *دبستان*، دوره ۱، شماره ۳۴، صص ۶۱-۵۷. _____ (۱۳۷۹). *ایهام در شعرفارسی*. تهران: انتشارات سروش.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶). *صور خیال در شعرفارسی*. تهران: انتشارات نیل.
- شمیسا، سیروس (۱۳۶۶). *فرهنگ تلمیحات و اشارات*. تهران: انتشارات فردوس.
- (۱۳۸۱). *نگاهی تازه به بدیع*. تهران: نشر میترا.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۹۳). *دستور تاریخ زبان فارسی*. تهران: انتشارات زوار.
- گیتی‌فروز، علی محمد (۱۳۸۷). *دیوان بدر چاچی*. تصحیح علی محمد گیتی‌فروز. تهران: انتشارات کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای
- اسلامی. _____ (۱۳۹۰). «هزار نکته باریک‌تر زمو چند ایهام نویافته در شعر حافظ». *مجله پژوهشی دانشکده ادبیات فارسی تهران*، شماره ۳، ۴ و، صص ۲۰۸-۱۹۱.
- مصفا، مظاهر (۱۳۸۹). *دیوان حکیم سنایی*. تصحیح مظاهر مصفا. تهران: انتشارات زوار.
- معین، محمد (۱۳۴۵). *فرهنگ فارسی (دو جلدی)*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- _____ (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. ۶ جلدی. چاپ هشتم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۶۴). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. تهران: انتشارات توس.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۶۹). *فرهنگ اساطیر*. تهران: انتشارات سروش.